

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

دانش مستدام

سال سوم، شماره ۲۶، آبانماه ۱۳۹۹

الانام

و نَضْرَةَ

الانام

عَلَيْهِ

السلام

مع الانام



اشباح الحزن

دانش مستدین

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰
سال سوم، شماره ۲۶، آبانماه ۱۳۹۹



مشاهده شماره‌های پیشین نشریه

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم

مدیر مسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه

سرمدبیر: دکتر اکرم حیدری

امور اجرایی: محمد سالم

ویراستار: حورا خمسه

طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین»، ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما، آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

hrj@muq.ac.ir

۰۲۵۳۲۴۰۰۵۴۶

سخن آغازین

۴..... اصرار ورزیدن بر دعا و طلب رحمت به درگاه خدا.....

سلامت در قرآن

ساز و کارهای خویشتن داری از منظر قرآن کریم؛

۵..... نقش خودآگاهی در خویشتن داری (۲)..... محمود شکوهی تبار

سلامت در احادیث

۸..... اعتبارسنجی روایات؛ آداب نوشیدن آب (۲)..... محمود شکوهی تبار

فقه سلامت

۱۱..... قاعده غرور و برخی کاربردهای آن در پزشکی..... احمد مشکوری

اخلاق سلامت

۱۲..... اجل معلق، اجل مسمی! (ملاحظات اخلاقی، پایان حیات)..... محسن رضایی آدریانی

۱۴..... تفوق منافع!..... محسن رضایی آدریانی

فلسفه سلامت

۱۶..... واقع گرایی و ضد واقع گرایی (۷): رئالیسم عملی (۳)..... صادق یوسفی

معرفی کتاب

۱۷..... کتاب مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت.....

ژلال سلامت

۲۸..... سیر سماوات.....



راهنمای نویسندگان

تهیه و ارسال شوند.

منابع مورد استفاده با نوشتن نام خانوادگی نویسنده/نویسندگان و سال انتشار در داخل کمان به صورت درون متنی آورده شود و فهرست منابع در پایان مقاله به صورت الفبایی و به ترتیب منابع فارسی و منابع انگلیسی ذکر شود و چنانچه قرآن کریم جزو منابع مقاله بود، به عنوان نخستین منبع در بخش منابع نوشته شود. ارجاع درون متنی برای یک نویسنده (سهرابی، ۱۳۹۵)، برای دو نویسنده (امیری و کاتبی، ۱۳۸۹)، برای بیش از دو نویسنده (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲)، و در مواردی که به یک سازمان به عنوان نویسنده سند، ارجاع داده می شود، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴) نوشته شود. در انتهای مقاله نیز منابع در قالب زیر آورده شوند:

- (کتاب، مقاله، پایان نامه): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان). عنوان مقاله/ کتاب/ پایان نامه، عنوان مجله، سال انتشار، شماره و دوره، شماره صفحات.

- (صفحات وب): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان متن، نشانی صفحه (URL)، تاریخ دسترسی.

- مقالات دریافتی توسط سردبیر و هیأت تحریریه نشریه

بررسی شده و نتیجه بررسی به نویسنده مسئول اعلام خواهد شد.

- انتشار تمام یا بخشی از مقالات مرتبط که در دیگر مجلات

داخلی یا خارجی به چاپ رسیده باشد، با رعایت شرایط

اخلاقی و حقوقی، بلامانع است.

- نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.

رایانامه hrj@muq.ac.ir

نشریه دانش سلامت و دین، ماهنامه علمی - اطلاع رسانی است که با هدف گسترش مباحث مشترک حوزه سلامت و دین، به صورت الکترونیکی منتشر می شود. جامعه هدف این نشریه را اعضای جامعه علوم پزشکی کشور تشکیل می دهند. این نشریه آمادگی دارد مطالب ارسالی اندیشمندان، پژوهشگران و صاحب نظران محترم را بررسی و در صورت انطباق با معیارهای مورد نظر، اعم از معیارهای شکلی و محتوایی، منتشر نماید. محتوای نشریه مبتنی بر موضوعات مشترک حوزه سلامت و دین، همانند سلامت در قرآن، سلامت در احادیث، فقه سلامت، اخلاق سلامت و فلسفه سلامت است. افزون بر این، مقالات مرتبط با عنوان نشریه که خارج از موضوعات اشاره شده باشند؛ همانند سبک زندگی سالم و تمدن نوین اسلامی نیز، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم است مقالات شامل موارد زیر باشند:

- عنوان، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و وابستگی سازمانی نویسنده/ نویسندگان، شماره تماس و رایانامه نویسنده مسئول، متن مقاله، منابع و چند جمله مهم برگزیده از متن.

- توصیه می شود در هنگام ارسال مقاله، مشخص شود مربوط به کدام یک از موضوعات نشریه است. مقالات حداکثر در سه صفحه تنظیم شده باشد. مقالات طولانی تر نیز، چنانچه قابلیت انتشار در دو یا چند شماره پیاپی را داشته باشند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت..

- مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان بوده و پاسخگویی به نویسندگان همکار با نویسنده مسئول است.

- مقالات در قالب فایل Word و با رعایت قواعد نگارش علمی



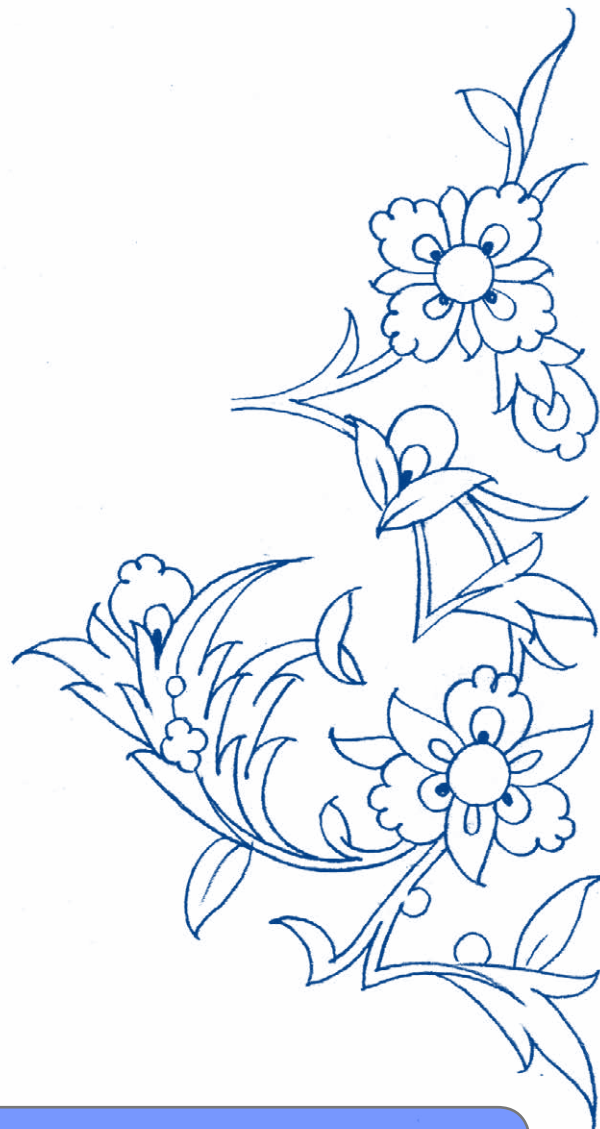
اصرار ورزیدن بر دعا و طلب رحمت به درگاه خدا

ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر او پوشیده نیست! ای خدای من! چگونه بر تو پوشیده باشد، چیزی که خود آفریده‌ای؟ چگونه آنچه را ساخته‌ای، از دایره دانشت بیرون باشد؟ یا چگونه از تو پنهان بماند، آنچه را که تو تدبیرش می‌کنی؟ یا چگونه می‌تواند بگریزد، کسی که جز به روزی‌ات زنده نیست؟ یا چگونه نجات یابد، کسی که در غیر مملکت تو راهی برایش وجود ندارد؟ منزّه و پاک. ترسنده‌ترین بندگان، عامل‌ترین آن‌ها به طاعت توست و پست‌ترین آن‌ها در پیشگاهت، کسی که روزی‌اش را می‌دهی و او غیر تو را می‌پرستد. منزّه و پاک، کسی که برایت شریکی انگاشته و پیامبرانت را تکذیب کرده، از سلطنتت نمی‌کاهد و کسی که قضایت را ناپسند دارد، قدرت رد کردن احکامت را ندارد و کسی که توانایی‌ات را تکذیب کند، نمی‌تواند خود را از قهر و غلبه تو بازدارد و کسی که غیر تو را پرستد، از دسترس احاطه و عذابت بیرون نرود و هر که لقای تو را ناپسند دارد، در زندگی دنیا ابدی و جاودانه نخواهد ماند. منزّه و پاک، چه بزرگ است مرتبه‌ات و قدرتمند و پیروز است پادشاهی‌ات و شدید است نیرویت و نافذ است فرمانت. منزّه و پاک، فرمان مرگ را بر همه آفریده‌هایت ثابت و پابرجا کرده‌ای، چه آن‌که تو را به وحدانیت مؤمن شده یا آن‌که به حضرتت کافر گشته، همگی طعم مرگ را می‌چشند و به سویت بازمی‌گردند. مبارک و برتری، خدایی جز تو نیست، تنها و بی‌شریکی. به تو ایمان آوردم و رسولانت را تصدیق کردم و قرآنت را پذیرفتم و به هر معبودی جز تو کافر شدم و از هر که غیر تو را پرستد، بیزاری جست. خدایا! روز را به شب و شب را به روز می‌رسانم؛ درحالی‌که عملم را اندک می‌شمارم، به گناهم معترفم، به خطایم اقرار دارم. من به سبب زیاده‌روی بر ضد خودم از طریق گناه خوارم. عمل زشتم هلاکم ساخته و هوسم مرا پست کرده و شهواتم مرا از رحمت محروم نموده. از تو درخواست می‌کنم ای

مولایم! درخواست کسی که روانش به خاطر آرزوی درازش به بوچی و سرگرمی و بیهوده‌کاری دچار شده و بدنش به خاطر نگران نبودن از عذاب و عقاب و دوری از عبادت و تن‌پروری، غافل مانده است. از این جهت رگ و پی‌اش در آرامش به سر می‌برد و اضطراب و لرزشی ندارد و دلش به سبب فراوانی نعمت به فتنه لذت گرفتار و اسیر شده و اندیشه‌اش نسبت به فرجام کارش اندک است. از تو درخواست می‌کنم، درخواست کسی که آرزو بر او چیره شده و هوی و هوس او را به فتنه انداخته و دنیا بر او مسلط گشته و مرگ بر سرش سایه انداخته است. از تو درخواست می‌کنم، درخواست کسی که گناهانش را بسیار و فراوان شمرده و به خطایش اعتراف کرده است. درخواست کسی که پروردگاری جز تو و سرپرستی غیر تو و نجات‌دهنده و پناهگاهی جز تو ندارد. خدای من! به حق لازم و واجبی که در همه آفریده‌هایت داری و به نام بزرگت که به پیامبرت دستور دادی تو را به آن تسبیح کند و به بزرگی ذات بزرگ‌منش و مهمان‌نوازت که کهنه نمی‌شود و دگرگون نمی‌گردد و تغییر حال نمی‌یابد و فانی نمی‌شود، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا با بندگی‌ات از هر چیز بی‌نیاز کنی و به خاطر ترس از تو، ارتباطم را با دنیا قطع فرمایی و سخاوت و بخشندگی و رحمت فراوانت را به من برگردانی. به سوی تو می‌گریزم و از تو می‌ترسم و به تو فریادرسی می‌کنم و تو را امیدوارم و تو را می‌خوانم و به تو پناه می‌آورم و به تو اعتماد می‌کنم و از تو یاری می‌خواهم و به تو ایمان می‌آورم و بر تو توکل می‌کنم و بر سخاوت و بزرگواری‌ات تکیه می‌زنم.

سازوکارهای خویشتن داری از منظر قرآن کریم؛ نقش خودآگاهی در خویشتن داری (۲)

محمود شکوهی تبار
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم
mahmood0110@gmail.com



آگاهی به مکانیسم‌های جهت‌دهنده کنش

مؤلفه‌های مختلفی کنش‌های انسان را جهت می‌دهند. به برخی از این مؤلفه‌ها که در آیات وحی به آن پرداخته شده، اشاره می‌شود:

- میل شدید انسان به کسب خیر: سوره مبارک عادیات در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ (عادیات، ۸). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: بعید نیست که مراد از «خیر» مطلق خیر باشد و در این صورت این آیه به حب فطری خیر در انسان اشاره دارد (طباطبایی ۱۴۱۷ ق، ۲۰/۳۴۷). روی سخن این آیه با افرادی است که نسبت به پروردگار خود ناسپاس و بی‌توجه هستند و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ... وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ (عادیات، ۶-۸). سوره برای درمان این مسئله ضمن تأکید بر ناسپاسی انسان بیان می‌کند که این ناسپاسی در حالی است که انسان به‌صورت غریزی خیرخواه و به‌شدت دنبال کسب خیر است. این نیروی عظیم محرک در انسان می‌تواند او را به‌سوی خیر واقعی یعنی خداوند رهنمون شود، ولی در اثر خطا در تشخیص مصداق واقعی خیر و مدیریت غلط آن، این نیرو بیشتر باعث انحراف انسان شده است (صوحی ۱۳۹۴: ۶/۲۷۱-۲۷۲). بر این اساس، شناخت نقش این قدرت محرک درونی در جهت‌دهی رفتار، می‌تواند به مدیریت بهتر خویشتن و ارتقای خویشتن‌داری بینجامد.

- تلاش برای ارضای نیاز: یکی از مکانیسم‌های مهم جهت‌دهنده کنش انسان، نیازهای اوست و این مسئله منشأ بسیاری از کنش‌های انسان به‌شمار می‌آید. به این صورت که بسیاری از افعال انسان به‌منظور برآوردن نیازهایش ساماندهی می‌شود؛ چنانچه محققان

خویشتن‌داری نقشی مهم در سلامت اجتماعی و سلامت معنوی ایفا می‌کند. در قرآن کریم، مفهوم نزدیک به خویشتن‌داری تقوا است. تقوا را می‌توان نوعی خاص از خویشتن‌داری دانست که طی آن انسان مؤمن با نیتی الهی، برای رسیدن به اهداف متعالی، از اهداف کوتاه‌مدت نفسانی چشم می‌پوشد. این پژوهش در پی معرفی سازوکارهای ارتقای خویشتن‌داری از منظر قرآن کریم است و در این راستا، خودآگاهی را به‌عنوان نخستین سازوکار قرآنی خویشتن‌داری مورد بررسی قرار داده است. در شماره پیشین به آیاتی که حاکی از نقاط قوت و ضعف انسان در مسیر خویشتن‌داری بود، اشاره شد. در این بخش، آیاتی دیگر که خودآگاهی و خودشناسی انسان را ارتقا می‌دهد، مورد توجه قرار می‌گیرد. این مسئله از این جهت بااهمیت است که محققان اذعان دارند کلید اساسی بسیاری از کنش‌های انسان و یکی از مؤلفه‌های مهم خویشتن‌داری، خودآگاهی است (فرهنگی، ۱۳۸۴: ۱۳۱؛ رستمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳) و تقویت آن زمینه تقویت خویشتن‌داری را فراهم می‌آورد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۲۱؛ رفیعی هنر، ۱۳۹۵: ۸۶). در این پژوهش به سه مورد از جنبه‌های خودآگاهی که در قرآن کریم به آن توجه داده شده است، اشاره می‌شود. آگاهی به این موارد می‌تواند زمینه خویشتن‌داری را فراهم کند.

سازوکارهای کنترل انسان اعم از کنترل عاطفی، ارزشی و نیز سازوکارهای تقویت (تشویق و تنبیه) را با این مسئله بنیادی توجیه می‌کنند. قرآن کریم به این مسئله توجه دارد و بر اساس اینکه خداوند به‌عنوان تنها منبع راستین و مستقل برآوردن نیاز انسان است، او را به عبادت خداوند دعوت می‌کند. در سوره مبارک عنکبوت می‌خوانیم: ﴿إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾؛ شما غیر از خدا تنها بت‌هایی را می‌پرستید و دروغی به هم می‌بافید؛ آن‌هایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند؛ روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را بجا آورید که به‌سوی او بازگشت داده می‌شود (عنکبوت، ۱۷). بر اساس این آیه، یک منشأ سوق انسان به عبادت، نیاز انسان است. خداوند می‌فرماید چون آن بت‌ها رزقی به شما نمی‌دهند، آن‌ها را عبادت نکنید. عبادت معنی عامی دارد. هر عملی که در راستای جلب رضایت خداوند انجام می‌شود، می‌تواند عبادت خداوند تلقی شود. همچنین رزق هم معنای عامی دارد و هر چیزی که نیاز انسان را برآورده کند، رزق انسان است. با توجه به این دو مقدمه، آیه مضمونی شبیه این خواهد داشت که همه نیازهای شما را خداوند برآورده می‌سازد. پس افعال شما باید در راستای رضای خداوند سامان یابد و باید تنها او را عبادت کنید. در آیه‌ای دیگر، قرآن کریم به کنترل‌های عاطفی در جامعه و نقش آن در جهت دادن به کنش انسان اشاره کرده است. در سوره مبارک عنکبوت می‌خوانیم: ﴿وَ قَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾؛ و [ابراهیم] گفت: جز این نیست که به‌جای خدا بت‌هایی را [برای خود به‌عنوان معبود] گرفته‌اید [که علت آن] دوستی میان خودتان در زندگی دنیا است (عنکبوت، ۲۵). این سوره در مکه و پیش از هجرت نازل شده است. در جامعه‌ای که بیشتر مردم مشرک بودند و انکار این آیین باعث طرد از جامعه و از دست دادن محبت و دوستی دیگر افراد جامعه می‌شد و بیشتر مردم ترجیح می‌دادند که برای حفظ روابط عاطفی خود و در واقع، برآوردن نیاز عاطفی‌شان، هم‌سو با دیگر افراد جامعه بر آیین شرک بمانند. آیه یادشده با آگاهی دادن این حقیقت که نیاز عاطفی، آنان را به سوی شرک می‌کشاند، می‌کوشد کنش‌های آنان را خودآگاه کند و به‌این‌ترتیب، امکان تسلط بر خود برایشان فراهم آید.

شناخت اینکه بسیاری از رفتارهای انسان برای برآوردن نیازهای اوست، می‌تواند رفتارهای انسان را خودآگاه کند. انسان در بیشتر موارد به‌صورت ناخودآگاه برای رفع نیازهای خود، دست به اقداماتی می‌زند که چه‌بسا آن اقدامات نیاز او را برآورده نسازد یا آن‌طور که شایسته است، محقق نشود یا با ارضای یک نیاز، از نیازهای دیگر و احياناً مهم‌تر بازماند؛ ولی هنگامی که این رفتارها آگاهانه انجام شود، امکان سنجش و تصمیم

درست و در نتیجه مقدمات تسلط بر خود فراهم خواهد شد.

عقلانیت محدود انسان

یکی از ویژگی‌های انسان عقلانیت محدود اوست. انسان در بسیاری از موارد با عقلانی شدن امور شبه عقلانی روبروست و ممکن است انتخاب‌هایش را بر اساس عادت‌ها، ارزش‌های درونی‌شده و به‌طور کلی شرطی شدن‌های گوناگون اخلاقی، معرفتی، رفتاری و ... انجام دهد نه چیزی که واقعاً منافع و خواسته‌های او را تأمین می‌کند (بودون، ۱۳۶۴: ۲۴۸-۲۶۲) و این‌گونه نیست که انسان در همه موارد، همه جوانب کار خود را بسنجد و گزینه‌ای که واقعاً به نفع اوست انتخاب کند. از آیات مختلف می‌توان عقلانیت محدود انسان را استفاده کرد. برخی آیات دلالت دارد که عملکرد انسان بر تحلیل‌های او اثرگذار است. خداوند در سوره مبارک مطففین می‌فرماید: ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (مطففین، ۱۴). راغب در مفردات «رین» را به معنای غبار، زنگ و تیرگی که بر روی چیز گران‌بهایی می‌نشیند، تعریف کرده است و در این آیه «رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ» یعنی گناهان مانند زنگار و غباری بر دل می‌نشینند و جلای آن را از بین می‌برند؛ به‌طوری‌که فرد، دیگر قادر به تشخیص خیر و شر نیست (راغب ۱۴۱۲ ق: ۳۷۳).

علامه طباطبایی از این آیه سه نکته استفاده کرده است:

- اعمال ناشایست نقش و صورتی در نفس ایجاد می‌کند و نفس به آن صورت درمی‌آید؛

- این نقش‌ها و صورت‌ها مانع درک حق همان‌طور که است، شده و بین نفس انسانی و حقیقت حائل می‌شود؛

- نفس بر حسب خلقت اولیه‌اش صفا و جلایی دارد که با آن، حقیقت را درک می‌کند؛ همان‌طور که در آیه هشتم سوره شمس آمده است: ﴿وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا﴾ (طباطبایی ۱۳۷۴: ۲۰/۲۳۴). بر اساس این آیه، تعقل انسان گاهی متأثر از عملکرد سوء، قدرت تشخیص خود را از دست می‌دهد که این مسئله بیان‌گر محدودیت در عقلانیت انسان است.

این مطلب به بیانی دیگر در سوره مبارک بقره ذکر شده است: ﴿حَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً﴾ طبق این آیه، خداوند بر قلب و گوش کافران مخاطب سوره، مهر نهاده و بر چشمانشان پرده افکنده و آنان قادر به درک حقایق نیستند. در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است: آیه یادشده به دلیل تعصب و لجاجت اشاره می‌کند و می‌فرماید: کافران طوری در کفر و عناد غوطه‌ورند که حس تشخیص را از دست داده‌اند. به‌این‌ترتیب، ابزار درکی که پرهیزگاران با آن می‌بینند و می‌شنوند و حقایق را درک می‌کنند، در آن‌ها از کار افتاده است؛ با اینکه عقل و گوش دارند، ولی قدرت درک و دید و شنوایی ندارند؛ زیرا اعمال زشت

انسان و لجاجت و عنادشان به مثابه پرده‌ای در برابر این ابزار شناخت قرار گرفته است (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ۸۲/۱).

شبهه این مضمون در سوره مبارک توبه نیز ذکر شده است: ﴿طَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (توبه، ۸۷). خداوند درباره کسانی که از شرکت در جنگ امتناع کرده بودند، می‌فرماید: بِرِ قُلُوبِهِمْ أَنْهَا مَهْرُ زَدَهْ شَدَهْ وَ أَنْانَ نَمِي فَهَمَنْد. در آیه ۹۳ این سوره نیز آمده است: ﴿طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾. در برخی آیات، مشرکان به تبعیت از ظن و پندار متصف شده‌اند: ﴿وَ مَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا﴾ (یونس، ۳۶). این تعبیر نشان می‌دهد که انسان‌ها دست‌کم در برخی موارد برای انتخاب و اقدام به انجام کاری، به گمان اکتفا می‌کنند و به دنبال کسب علم و اطلاعات کامل‌تر نمی‌روند.

نفس ملهم انسانی (فطرت)

آیات بسیاری از وجود گرایش‌های فطری در انسان خبر می‌دهند. فطرت عبارت از بینش و گرایش شهودی به هستی محض و کمال نامحدود است. امور فطری حقایقی همگانی است که انسان‌ها از آن خبر می‌دهند و یا به آن گرایش دارند. در واقع، به اموری که انسان‌ها بی‌آنکه از دیگری بیاموزند، در هر زمان و مکانی درک می‌کنند و به آن گرایش دارند، امور فطری می‌گویند. محققان منشأ گرایش‌های فطری را بُعد ملکوتی انسان دانسته‌اند که در راستای تکامل وجودی اوست (رام و همکاران ۱۳۹۶: ۱۱۱). آیات ۷-۱۰ سوره مبارک شمس به یکی از این گرایش‌های فطری توجه داده است. بر اساس این آیات، انسان دارای نفسی موزون و معتدل است که خداوند فجور و تقوای نفس را به آن الهام کرده است. نظرات مفسران درباره مصداق «نفس» متفاوت است؛ برخی مراد از آن را روح انسانی و برخی ترکیبی از روح و جسم دانسته‌اند. تسویه روح انسانی قدر متیقن هر دو قول است و مراد این است که خداوند تمام نیروهای نفسانی را که محققان به بخشی از آن در «علم النفس» پرداخته‌اند، تنظیم و تعدیل کرده و به صورت فطری شناخت عوامل خروج و به هم زدن این اعتدال و حفظ آن را به انسان الهام کرده است (مکارم ۱۳۷۴: ۴۴/۲۷). همچنین، طبق این آیات سعادت و به هدف رسیدن انسان درگرو پاک نگه داشتن و رشد دادن این نفس مُلهم؛ و محرومیت و زیانکاری، حاصل پنهان کردن آن در زیر آلودگی هاست: ﴿وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ (۷-۱۰). مفسران و لغت‌شناسان مراد از «أَفْلَحَ» را رسیدن به مطلوب و هدف (طباطبایی ۱۴۱۷: ۲۰/۲۹۸؛ راغب ۱۴۱۲: ۱/۶۴۴؛ ابن درید ۱۹۸۸: ۱/۵۵۵) و مراد از «تَزَكَّاهَا» را پاک کردن و رشد دادن (ازهری ۱۴۲۱: ۱۰/۱۷۵؛ صاحب ۱۴۱۴: ۶/۳۰۰؛ فیروزآبادی ۱۴۱۵: ۴/۳۷۵؛ مکارم ۱۳۷۴: ۲۷/۴۷)

دانسته‌اند.

بر پایه این آیات، نفس انسان به صورت فطری قدرت درک «فجور» و «تقوا» را دارد و اگر انسان آن را پاک نگه دارد، او را به «فلاح» می‌رساند؛ بنابراین توجه و آگاهی به اینکه نفس ملهم انسانی به‌عنوان پیامبر باطنی، می‌تواند در موارد بسیاری راهنمای حق از باطل باشد، مقدمات خویشتن‌داری را فراهم خواهد کرد. همچنین بر مبنای این واقعیت، یکی از راه‌های خویشتن‌داری، پاک نگه‌داشتن نفس انسانی، به‌عنوان آینه تشخیص خوبی از بدی است تا انسان مسیر تقوا و خویشتن‌داری را درست تشخیص دهد.

منابع:

ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸ م)، *جمهرة اللغة*، بیروت: دار العلم للملایین.
ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
بودون، ریمون (۱۳۶۴)، *منطق اجتماعی*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات جاویدان.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
رام، سمیه؛ محمود مهر محمدی؛ علیرضا صادق‌زاده قمصری؛ ابراهیم طلائی (۱۳۹۶)، «تبیین مفهوم تقوا از منظر انسان‌شناختی با تأملی در آیات قرآن و دلالت‌های آن در پرورش تقوا»، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ص ۱۲۵-۱۰۳.
رستمی، مهدی؛ مهدی قزلسفلو؛ هادی محمدلو؛ الهام قربانیان (۱۳۹۴)، «پیش‌بینی سلامت روانی بر مبنای شفقت خود، هویت و خودشناسی دانشجویان»، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی، ص ۳۰-۴۴.
رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۵)، *روانشناسی مهارت‌های خویشتن با نگرش اسلامی*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
صاحب، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ ق): *المحیط فی اللغة*، محقق / مصحح: محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
صوحی، علی (۱۳۹۴)، *تدبر در قرآن کریم*، قم: مؤسسه تحقیقاتی تدبر در کلام وحی.
طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، *ارتباطات انسانی*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ ق)، *القاموس المحیط*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷)، *خودشناسی برای خودسازی*، تدوین و نگارش: کریم سبحانی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

اعتبارسنجی روایات؛ آداب نوشیدن آب (۲)

محمود شکوهی تبار
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم
mahmood0110@gmail.com

طب و بهداشت جسمی یکی از مباحثی است که روایات بدان اهتمام ورزیده‌اند؛ از جمله مسائلی که در این زمینه در روایات آمده، آداب آشامیدن آب است. روشن است که بهره‌مندی هرچه بهتر از این آموزه‌ها درگرو اعتبارسنجی آن‌هاست. در این پژوهش به اعتبارسنجی بخشی از این روایات اعم از سندی، دلالتی، ارزیابی منبع و بررسی قرائن پیرامونی می‌پردازیم. اعتبارسنجی سندی بر مبنای کار ارزشمند محققان نرم‌افزار درایة النور انجام شده و تلاش شده است گامی در ابعاد دیگر اعتبارسنجی برداشته شود. در این راستا، روایات از منابع دست‌اول شیعه، همچون کتب اربعه (الکافی، التهذیب، الاستبصار و من لایحضره الفقیه)، وسائل الشیعه، علل الشرایع، خصال و المحاسن انتخاب شده است که همه آن‌ها از اعتبار و اصالت لازم منبعی برخوردارند. به‌منظور اعتبارسنجی دلالتی، خانواده حدیثی در موضوع مورد بحث این پژوهش تشکیل و معنای عبارات با توجه به همه روایات در این موضوع استخراج شده است. تعارضات ظاهری و ابتدایی مورد توجه قرار گرفته و بین آن‌ها جمع شده است. قرائن پیرامونی از جمله دیگر ابعاد اعتبارسنجی مورد توجه در این پژوهش است. به این صورت که در مواردی که روایات متعدد با مضمون مشابه یا یک روایت با چند سند معتبر نقل شده، توجه داده شده است.

روایاتی که به نوشیدن آب به‌صورت ایستاده در روز سفارش کرده‌اند

برخی روایات به نوشیدن آب به حالت ایستاده توصیه کرده‌اند. در روایتی چنین آمده است: «عَلَيْهِ بِنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ شَرِبْتُ الْمَاءَ مِنْ قِيَامٍ بِالنَّهَارِ أَقْوَى وَ أَصَحُّ لِلْبَدَنِ»؛ سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آشامیدن آب در روز

و در حالت ایستاده، نیروبخش و موجب تندرستی است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳۸۲/۶؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴۱/۲۵) همه راویان این روایت امامی و ثقه هستند، غیر از سکونی که امامی نیست، ولی فرد مورد اعتمادی است (ابن داود، ۱۳۴۲ ق: ۴۲۶). بر این اساس، روایت یادشده موثق به شمار می‌آید.

روایاتی که به‌صورت مطلق به ایستاده آب نوشیدن توصیه کرده‌اند

بعضی روایات بدون ذکر زمان، ایستاده نوشیدن آب را مطلوب دانسته‌اند. در روایتی آمده است: «الْحَسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زَيْبَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ علیه السلام قَالَ: الشُّرْبُ قَائِمًا أَقْوَى لَكَ وَ أَصَحُّ»؛ امام صادق علیه السلام از پدرشان امام باقر علیه السلام نقل فرمودند: آشامیدن آب در حالت ایستاده، نیروبخش و موجب تندرستی است (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۹۴/۹؛ طوسی، ۱۳۹۰ ق: ۹۳/۴؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴۱/۲۵). طبق بازسازی سند این روایت توسط نرم‌افزار درایة النور، این حدیث با آن سند متفاوت نقل شده که شش سند آن موثق است. این اسناد متعدد، بر اعتبار روایت یادشده می‌افزاید و به لحاظ اعتبارسنجی از قرائن پیرامونی اعتبار حدیث به شمار می‌آید؛ هرچند سه راوی آخر تا امام علیه السلام در همه اسناد مشترک هستند.

در این زمینه برخی روایات هم ایستاده آب خوردن را مجاز شمرده‌اند. در روایتی می‌خوانیم: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَا وَ أَبِي فَاتِي بِقَدَحٍ مِنْ حَزْفٍ فِيهِ مَاءٌ فَشَرِبْتُ وَ هُوَ قَائِمٌ ثُمَّ نَأَوَّلُهُ أَبِي فَشَرِبْتُ مِنْهُ وَ هُوَ قَائِمٌ ثُمَّ نَأَوَّلِيهِ فَشَرِبْتُ مِنْهُ وَ أَنَا قَائِمٌ»؛ راوی می‌گوید: با پدرم نزد امام صادق علیه السلام بودیم ظرف سفالینی آوردند که در آن آب بود. حضرت درحالی که ایستاده بودند آب

نوشیدند و آب را به پدرم دادند. پدرم هم درحالی که ایستاده بود، آب نوشید؛ سپس آب را به من داد. من هم آب نوشیدم، درحالی که ایستاده بودم (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳۸۳/۶). این روایت بیان‌گر فعل و تقریر معصوم است و نشان می‌دهد که امام ایستاده آب نوشیدند و از ایستاده آب نوشیدن نهی فرمودند و دست‌کم می‌تواند حاکی از مجاز بودن ایستاده آب نوشیدن باشد.

در روایتی مشابه نقل شده است: «وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الشَّرْبِ قَائِمًا قَالَ وَمَا بَأْسُ بِذَلِكَ قَدْ شَرِبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ قَائِمٌ؛ سَدِيرٌ كَوَيْدٌ: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره ایستاده آب نوشیدن پرسیدم. فرمود: عیب ندارد؛ چون حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ ایستاده نوشیده است. این روایت معتبر است و اصطلاحاً علما به آن اعتنا و عمل کرده‌اند.

روایاتی که به صورت مطلق از ایستاده آب نوشیدن نهی کرده‌اند

برخی روایات ایستاده آب آشامیدن را مذموم دانسته و از آن نهی کرده‌اند:

حدیث یکم: «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ ... أَوْ شَرِبَ قَائِمًا فَأَصَابَهُ شَيْءٌ مِنَ الشَّيْطَانِ لَمْ يَدْعُهُ إِلَّا أَنْ يَسَاءَ اللَّهُ وَ أَسْرَعُ مَا يَكُونُ الشَّيْطَانُ إِلَى الْإِنْسَانِ وَ هُوَ عَلَى بَعْضِ هَذِهِ الْحَالَاتِ الْحَدِيثُ؛ محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: هرکس ... یا ایستاده آب بنوشد، آفتی از شیطان به او برسد، او را رها نخواهد کرد، مگر اینکه خداوند اراده کند و سریع‌ترین حالتی که شیطان به انسان آسیب می‌رساند جایی است که انسان در برخی از این حالات قرار داشته باشد (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴۰/۲۵). همه راویان این روایت امامی و ثقه هستند و حدیث یادشده صحیح به شمار می‌آید.

حدیث دوم: «وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: لَا تَشْرَبْ وَ أَنْتَ قَائِمٌ...؛ محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ نقل کرده است که امام فرمودند: درحالی که ایستاده هستی، آب ننوش... (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۵/۲۴۰). این روایت نیز صحیح به شمار می‌آید؛ زیرا تمام راویان آن امامی و ثقه و مورد اعتماد علمای رجال هستند. در این روایات نیز به صورت مطلق از نوشیدن در حالت ایستاده نهی شده است.

حدیث سوم: «أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ فِي

الْمَحَاسِنِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَشْرَبُوا الْمَاءَ قَائِمًا؛ امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: ایستاده آب ننوشید (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴۲/۲۵؛ برقی، ۱۳۷۱ ق: ۵۸۱/۲).

حدیث چهارم: در حدیث اربع‌مائه نیز به این مضمون اشاره شده است: «حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ الْقَيْطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَّمَهُ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَنْ يَمْلَأَ بَابَ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... إِيَّاكُمْ وَ شَرِبَ الْمَاءَ مِنْ قِيَامٍ عَلَيَّ أَنْ يَجْلِسَ فَإِنَّهُ يُورِثُ الدَّاءَ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ أَوْ يُعَافِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ...؛ امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: برحذر باشید از ایستاده آب نوشیدن. این کار مرضی را در پی دارد که دوايي برای آن نیست؛ مگر اینکه خدا شفا دهد (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲: ۶۳۴/۲).

حدیث پنجم: در روایتی صحیح‌السند آمده است: «وَعَنْهُ عَنِ النَّضْرِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ: لَا يَشْرَبُ الرَّجُلُ وَ هُوَ قَائِمٌ؛ فرد درحالی که ایستاده است، آب نخورد (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴۱/۲۵).

حدیث ششم: «وَفِي الْعَلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكُمْ وَ شَرِبَ الْمَاءَ قِيَامًا عَلَيَّ أَنْ يَجْلِسَ فَإِنَّهُ يُورِثُ الدَّاءَ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ إِلَّا أَنْ يُعَافِيَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: برحذر باشید از ایستاده آب نوشیدن. این کار مرضی را در پی دارد که دوايي برای آن نیست؛ مگر اینکه خدا شفا دهد (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴۱/۲۵؛ ابن‌بابویه، ۱۳۸۵: ۴۶۴/۲). این روایت نیز صحیح است و همه راویان آن امامی و ثقه هستند.

شش روایت با سند صحیح به صورت مطلق از نوشیدن آب در حالت ایستاده نهی کرده‌اند که از جمله قرائن پیرامونی اعتبار روایات یادشده به شمار می‌آیند.

روایاتی که از نوشیدن آب به صورت ایستاده در شب نهی کرده‌اند

در برخی روایات نوشیدن آب در حالت ایستاده در شب مذموم دانسته شده است:

روایت یکم: «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: شَرِبْتُ

الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِالنَّهَارِ يُمَرُّ الطَّعَامَ وَ شُرْبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِاللَّيْلِ يُورِثُ الْمَاءَ الْأَضْفَرَ»؛ محمد بن احمد بن ابو محمود در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق ع فرمودند: آشامیدن آب در روز و در حالت ایستاده غذا را گوارا می‌کند و ایستاده نوشیدن آب در شب، زرداب می‌آورد (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳۸۳/۶).

روایت دوم: «قَالَ (الصادق) ع: «شُرْبُ الْمَاءِ بِاللَّيْلِ مِنْ قِيَامٍ يُورِثُ الْمَاءَ الْأَضْفَرَ»؛ امام صادق ع فرمودند: نوشیدن آب در حالت ایستاده در شب، زرداب می‌آورد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق: ۳۵۳/۳).

این دو روایت به دلیل عدم اتصال سند و حذف برخی راویان در سلسله سند، اصطلاحاً مرفوع برشمرده می‌شوند و از این جهت سندشان ضعیف است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود برخی روایات به صورت مطلق، ایستاده آب نوشیدن را برای بدن مفید دانسته‌اند و برخی دیگر این امر را مقید به روز کرده‌اند. دسته‌ای از روایات نیز به صورت مطلق از آن نهی کرده‌اند. وجه جمع این روایات می‌تواند به این صورت باشد: روایاتی که نوشیدن آب به حالت ایستاده را مفید دانسته‌اند، ناظر به نوشیدن آب در روز است به دلیل اینکه در برخی از روایات به این مسئله تصریح شده است؛ همان‌طور که امام صادق ع از پدرشان امام باقر ع نقل فرمودند: «شُرْبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِالنَّهَارِ أَقْوَى وَ أَصَحُّ لِلْبَدَنِ» (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴۱/۲۵) و بر پایه قواعد اصول فقه در مقام تعارض ظاهری، حدیث مطلق به مقید حمل می‌شود؛ و روایاتی که از نوشیدن آب در حالت ایستاده نهی کرده‌اند، ناظر به نوشیدن آب در شب است؛ زیرا اولاً اگر مراد از این نهی، آشامیدن آب در روز باشد، با روایات پیشین در تعارض خواهد بود؛ ثانیاً روایاتی نیز وجود دارد که از ایستاده نوشیدن آب در شب نهی کرده‌اند، هرچند این روایات به لحاظ سندی با ضعف مواجه هستند، ولی با توجه به تعارض پیش‌گفته، اعتبار منبع، تناسب این دو روایت با نهی از نوشیدن آب به حالت ایستاده و همچنین تکرار مضمون این روایت در منابع حدیثی، می‌توان آن‌ها را شاهدی بر تقویت این جمع بین روایات دانست. شیخ حر عاملی نیز ذیل روایات مربوط به نهی از ایستاده نوشیدن آب، وجه جمع بین روایات را چنین بیان کرده است: «هَذَا مَخْصُوصٌ بِاللَّيْلِ»؛ این (نهی) مخصوص آشامیدن آب در شب است (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴۰/۲۵). همچنین، شیخ صدوق در این باره می‌نویسد: «يَعْنِي بِاللَّيْلِ فَأَمَّا

بِالنَّهَارِ فَإِنَّ شُرْبَ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ أَدْرُ لِلْعُرُوقِ وَ أَقْوَى لِلْبَدَنِ كَمَا قَالَ الصَّادِقُ ع»؛ یعنی در شب؛ و اما روز، ایستاده آب نوشیدن برای ریزش عرق و برای تقویت و سلامت بدن بهتر است؛ همان‌طور که امام صادق ع فرمودند (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲/۴۶۵). البته با توجه به اینکه مسائل مربوط به طب و بهداشت جسمی مربوط به تعبدیات نیست و حکایت از واقعیات بیرونی دارد و در بیشتر موارد، امکان سنجش محتوای آن‌ها از راه تجربه مهیاست، می‌توان و بلکه بهتر است در حل این تعارض و نحوه جمع روایات، از علم تجربی نیز بهره برد. به این صورت که می‌توان با مراجعه به یافته‌های علم پزشکی در این باره و یا آزمایش مفاد این روایات، میزان درستی جمع مذکور را سنجید.

منابع:

ابن بابویه، محمد بن علی (۲۶۳۱)، الخصال، محقق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی (۳۱۴۱ ق)، من لا یحضره الفقیه، محقق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن بابویه، محمد بن علی (۵۸۳۱)، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری.

ابن داود، حسن بن علی بن داود حلی (۲۴۳۱ ق)، الرجال (ابن داود)، تحقیق: محمدکاظم میاموی، تهران: دانشگاه تهران.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۷۳۱ ق)، المحاسن، محقق: جلال‌الدین محدث، چاپ دوم، قم: دار الکتب الإسلامية.

حر عاملی، محمد بن حسن (۶۱۴۱ ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل، قم: موسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث.

طوسی، محمد بن الحسن (۹۳۱ ق)، الاستبصار، محقق: حسن الموسوی خرسان، تهران: دار الکتب الإسلامية.

طوسی، محمد بن الحسن (۷۰۴۱ ق)، تهذیب الأحکام، محقق / مصحح: حسن الموسوی خرسان، تهران: دار الکتب الإسلامية.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۷۰۴۱ ق)، الکافی (ط - الإسلامية) چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.

قاعده غرور و برخی کاربردهای آن در پزشکی

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،
دانشگاه علوم پزشکی قم
a.mashkoori@gmail.com

چنانچه پزشک به هر دلیلی غیر از مصالح فرد بیمار، به انجام اقدامی درمانی یا جراحی غیر ضروری توصیه کند و بیمار به توصیه پزشک عمل کند، پزشک مسئول کلیه خسارات مالی و جانی وارده بر بیمار است.

هرگاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث فریب خوردن شخص دیگر شود و از این رهگذر، ضرر و زیانی متوجه او گردد، شخص نخست به موجب این قاعده ضامن است و باید از عهده خسارت وارده برآید. شخص نخست را «غاز» (فریب‌دهنده) و شخص دوم را «مغرور» (فریب‌خورده) و این قاعده را «قاعده غرور» می‌گویند.

لازم است. در غیر این صورت، اگر مغرور عالماً عامداً اقدامی علیه خود کند که متضمن ضرر باشد، مشمول قاعده غرور نبوده و موجب ضمان «غاز» نخواهد بود.

در حالت سوم که مغرور ناآگاه و غاز آگاه است، بدون تردید مصداق قاعده غرور است.

حالت چهارم نیز که هر دو ناآگاه هستند، از قاعده غرور خارج است.

بر این اساس، چنانچه پزشک به هر دلیلی غیر از مصالح شخص بیمار، به انجام اقدامی درمانی یا جراحی غیر ضروری توصیه کند و بیمار به توصیه پزشک عمل کند، پزشک مسئول کلیه خسارات مالی و جانی وارده بر بیمار است. توصیه به انجام آزمایش، انواع تصویربرداری‌ها، فیزیوتراپی و جراحی و... بدون ضرورت و اندیکاسیون قطعی مصداق این قاعده به شمار می‌روند.

قلمرو قاعده غرور

مورد مسلم حاکمیت قاعده غرور جایی است که شخص فریب‌دهنده (غاز)، از نتیجه عمل خود آگاه باشد؛ یعنی بداند که طرف مقابل از فعل یا قول او فریب خواهد خورد و متحمل خسارت خواهد شد. توضیح اینکه گاه «غاز» و «مغرور» هر دو از ضرر آگاه هستند که در این صورت، نه «غازی» وجود دارد نه «مغروری»؛ زیرا در غرور، جهل «مغرور» شرط است. حالت دیگر این است که هر دو از ضرر ناآگاه باشند و دو صورت دیگر نیز این است که یکی از «غاز» یا «مغرور» جاهل باشند. پس در مجموع چهار حالت وجود دارد: در حالت نخست که هر دو آگاه هستند از قاعده غرور خارج است.

حالت دوم که «مغرور» عالم و «غاز» جاهل است نیز از قاعده غرور خارج است؛ زیرا ناآگاه بودن مغرور شرط

اجل معلق، اجل مسّمه! (ملاحظات اخلاقیه پایان حیات)

محسن رضایی آدریانی
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،
دانشگاه علوم پزشکی قم
mrezaie@muq.ac.ir

ایشان در شرح آیه فرمودند: «تتها جانها گرفته می‌شود؛ یعنی علاقه روح از بدن قطع می‌گردد و دیگر روح به کار تدبیر بدن و دخل و تصرف در آن نمی‌پردازد ...

از این جمله دو نکته دریافت می‌گردد: یکم اینکه، نفس آدمی غیر از بدن اوست، برای اینکه در هنگام خواب از بدن جدا می‌شود و مستقل از بدن و جدای از آن زندگی می‌کند؛ دوم اینکه، مردن و خوابیدن، هر دو توفی و قبض روح است، بلکه این فرق بین آن دو هست که مرگ قبض روحی است که دیگر برگشتی برایش نیست و خواب قبض روحی است که ممکن است روح دوباره برگردد» (همدانی، ۱۳۷۴).

یکی از موضوعات پرچالش اخلاق پزشکی، سرفصل مراقبت‌های پایان حیات است. در این بحث، موضوع‌های بی‌شماری دیده می‌شود. یکی از مهم‌ترین این موضوع‌ها، «دستور عدم احیاء (-do not resusci)» است.

با استناد به این آیه کریمه و قاعده «احتیاط در دماء» (کلانتوری خلیل‌آباد و گلستان‌رو، ۱۳۹۵: ۱۲۹) می‌توان گفت وظیفه اخلاقی کارکنان نظام سلامت در شرایط معمولی (و نه بحران) این است که هر بیماری که دچار ایست قلبی تنفسی می‌شود و احتمال موفقیت نسبی یا کامل در عملیات احیاء وجود دارد، باید احیا شود!

به تعبیر دیگر، تا هنگامی که مطمئن نشده‌ایم و برای ما یقین حاصل نشده است که مرگ بیمار قطعی و

﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَمَاتِهَا فِئْئِسْكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُنْفُسَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾

«خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند و ارواحی را که نمرده‌اند نیز به هنگام خواب می‌گیرد سپس ارواح کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده ننگه می‌دارد و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) بازمی‌گرداند تا سرآمدی معین. در این امر نشانه‌های روشنی است برای کسانی که اندیشه می‌کنند».

(زمر، ۴۲)

قرار بر این بود که متناسب با هر جلسه از دروس اخلاق پزشکی، یک آیه کریمه به‌عنوان پیش‌درآمد بحث کلاس ارائه شود. به لطف خداوند متعال، به این آیه کریمه برای جلسه ملاحظات اخلاقی پایان حیات پرداخته خواهد شد.

مصطفوی در مجمع‌البحرین می‌گوید: «و چیزی را توفی نمود؛ یعنی همه آن را دریافت کرد به‌گونه‌ای که هیچ از آن رها نماند»؛ و وفات را معادل مرگ گرفته است (المصطفوی، ۱۳۶۸). علامه طباطبایی فرمودند: «در مجمع‌البیان گفته: کلمه «توفی» به معنای گرفتن چیزی است به‌طور تمام» (همدانی، ۱۳۷۴).

نوآوری‌هایی در حیطه پژوهش‌های پایان حیات ایجاد کند؛ البته لازمه‌اش این است که اهل تفکر و تأمل باشیم، ان شاء الله!

منابع:

قرآن کریم

المصطفوی، حسن (۸۶۳۱)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کلاتتری خلیل‌آباد، عباس؛ صدیقه گلستان‌رو (۵۹۳۱)، «احتیاط در دماء و کاربرد آن در حقوق کیفری»، فصلنامه حقوق اسلامی، ۳۱(۱۵)، ص ۹۲۱.

همدانی، سیدمحمدباقر (۴۷۳۱)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد ۷۱، ص ۷۰۴-۸۰۴.

Craig-Brangan, K. J., & Day, M. P. (2016). Update: 2015 AHA BLS and ACLS guidelines. *Nursing Critical Care*, 11(2), 24-29. doi: 10.1097/01.CCN.0000480744.54860.76

غیرقابل برگشت و مصداق همان «أجل مسمی» است، عملیات احیای قلبی ریوی باید دست‌کم طبق آخرین دستورالعمل پزشکی روز دنیا (Craig-Brangan & Day, 2016)، انجام شود.

خداوند متعال در این آیه کریمه، به موضوع گرفته شدن نفس در هنگام مرگ و خواب و به تعبیر دیگر، به شباهت این دو اشاره می‌فرماید. ضرب‌المثل معروفی هست که می‌گویند: «خواب، برادر مرگ است»؛ این شباهت و تفاوت، می‌تواند برای پژوهش‌های پزشکی جالب باشد. کیفیت این دو حالت شبیه به یکدیگر، چگونه است؟ چه تمایزی میان این دو هست که یکی غالباً برگشت‌پذیر و دیگری غالباً برگشت‌ناپذیر است؟ هنگام مرگ چه اتفاقی می‌افتد؟ تجربیات نزدیک به مرگ (NDE) چه ربط و نسبتی با این دو دارد؟

همه این پرسش‌ها (و بسیاری پرسش‌های دیگر) را می‌توان از فرمان‌برداری از بخش آخر آیه به دست آورد. بخش آخر این آیه ما را به اندیشه درباره موضوع مرگ و «پایان حیات» دنیوی فرامی‌خواند. تفکر پیرامون این آیه می‌تواند ایده‌های پژوهشی بدیع به ما دهد و

تا وقتی مطمئن نشده‌ایم که مرگ بیمار قطعی و غیرقابل برگشت است، باید طبق آخرین دستورالعمل پزشکی روز دنیا، عملیات احیای قلبی ریوی انجام شود.

تفوق منافع!

محسن رضایی آدریانی
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،
دانشگاه علوم پزشکی قم
mrezaie@muq.ac.ir

معرفه مورد

خانمی مسن، به کم‌شنوایی شدید گوش، سرگیجه شدید هنگام بلند شدن از حالت خوابیده و تهوع و استفراغ دچار شده بود که با ارجاع پزشک عمومی، همراه دو نفر از بستگان برای معاینه به مطب یک متخصص گوش و حلق و بینی مراجعه نمود. دکتر متخصص بدون معاینه دقیق، دستور داد که شستشوی گوش و شنوایی‌سنجی انجام شود. گفتنی است که شنوایی‌سنجی به‌تازگی در این مطب راه‌اندازی شده است. بیمار و همراهان، مطابق نظر پزشک متخصص عمل کردند. نود هزار تومان هزینه شستشوی گوش و شنوایی‌سنجی را پرداختند؛ اما حال این خانم هیچ تغییری نکرد. گفتنی است که بیشتر مراجعان این پزشک این روند را طی می‌کردند و این پزشک، شنوایی‌سنجی بیرون از مطب را هم قبول نداشتند.

تحلیل مورد

بر اساس آموزه‌های اسلام، حرفه سلامت از جمله حرفه‌های مقدس است که لحظه‌لحظه عملکرد صحیح در آن، حسنه است. هر یک از کارکنان نظام سلامت چه در بخش عمومی و چه در مطب خصوصی، اگر کار خود را درست انجام دهد، یک «عابد» به‌تمام معنا خواهند بود. پاداش خداوند برای چنین کسانی همان «أَجْرَهَا مَرْتَبِينَ» (أحزاب، ۳۱) است. کوشش برای تأمین، حفظ و ارتقای سلامت انسان‌ها (همان «درست‌کاری (Integrity)») در حرفه سلامت (هنگامی که با انگیزه و نیت کسب «مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره، ۲۶۵) و برای پایدار نمودن ملکات شایسته اخلاق حرفه‌ای، یعنی «تَثْبِيتاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (بقره، ۲۶۵) یا همان «شرافت (Honor)») حرفه‌مندی باشد، موجب خواهد شد نظام سلامت

تحمیل هزینه غیر ضروری تشخیصی
درمانی به بیمار، مصداق روشن
تضییع حق الناس و کسب مال حرام
است.

اگر «درست کار» بودیم و اگر در «تراحم منافع» خود با «مصلح و منافع بیمار»، اولویت را به بیمار می‌دادیم، آیا این همه اقدامات تشخیصی-درمانی «غیرضروری» و این همه تجویز بی حساب و کتاب دارو می‌داشتیم؟

«فَأَتَتْ أَكْثَرَهُمْ ضَعْفَيْنِ» (بقره، ۲۶۵) شود.

اما در همین حرفه مقدس، جرم و وزر و وبال آلوده شدن به رفتار ناصحیح، بنا بر برداشت نویسنده این متن از آموزه‌های دینی، مشمول «الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ» (احزاب، ۳۰) خواهد بود.

جمع مال از راه نادرست و نامشروع یکی از مصادیق بارز رفتار ناصحیح در حوزه سلامت است.

تحمیل هزینه غیر ضروری تشخیصی درمانی به بیمار، مصداق آشکار کار ناصحیح است. هنگامی که انگیزه ایجاد این هزینه غیر ضروری، کسب درآمد بیشتر برای درمانگر باشد، مصداق روشن تضییع حق الناس و کسب مال حرام است.

درخواست و انجام هر اقدام تشخیصی درمانی هنگامی مجاز، حلال و اخلاقی خواهد بود که بر اساس شرح حال دقیق و معاینه درست و دقیق و کامل باشد و ضرورت پزشکی آن برای درمانگر (و نیز از نگاه ناظران هم‌تراز یا بالاتر) قابل قبول باشد. آن اقدامی صحیح است که عموم متخصصان متعهد اخلاق مدار آن رشته، آن اقدام را تأیید کنند.

کسانی که به هر دلیلی استناد به دین را بر نمی‌تابند، در حوزه سلامت لاجرم باید پایبند اخلاق سکولار باشند. بر پایه اصول چهارگانه اخلاق پزشکی (که از یک نظر سکولار است)، اقدامات ما در حوزه سلامت باید با مراعات «سود رسانی»، «ضرر نرسانی»، «احترام به استقلال و اختیار بیمار» و «عدالت» باشد.

شستشوی گوش و شنوایی‌سنجی برای همه بیماران مراجعه‌کننده به مطب گوش و حلق و بینی، آندوسکوپی همه بیماران مراجعه‌کننده به مطب فوق تخصص گوارش، نوار قلب و یا آزمون ورزش (Exercise test -ET) برای همه مراجعان به مطب متخصص قلب، گرفتن نوار مغز از همه مراجعان به مطب داخلی اعصاب، تجویز سرم و تزریقات برای همه مراجعان سرپایی به مطب پزشکی عمومی و ... با انگیزه کسب درآمد بیشتر و بدون ضرورت حقیقی (indication) نه از منظر آموزه‌های اسلام عزیز و نه بر اساس دیدگاه سکولار، قابل توجیه و قابل قبول نیست؛ «كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا» (اسراء، ۳۸).

آمارها نشان می‌دهد ما یکی از پرمصرف‌ترین کشورها هستیم. همان‌طور که ۲/۵ برابر میانگین دنیا، انرژی مصرف می‌کنیم، در مصرف امکانات و تجهیزات سلامت هم اسراف کار هستیم. ما دومین مصرف‌کننده دارو در آسیا هستیم! چرا این‌گونه است؟ اگر «درست کار» بودیم و اگر در «تراحم منافع» خود با «مصلح و منافع بیمار»، اولویت را به بیمار می‌دادیم، آیا این همه اقدامات تشخیصی-درمانی «غیرضروری» و این همه تجویز بی حساب و کتاب دارو داشتیم؟ کلاه خودمان را قاضی کنیم! متأسفانه در بخشی از مراکز ارائه خدمات درمانی در کشور ما (دولتی و خصوصی)، رضایت «مشتری» و یا «منافع شخصی» اصل و هدف ما شده و در این آشفته‌بازار، سلامت بیمار به حاشیه رفته است.

بیاییم به راه «درست» برگردیم.



واقع گرایه و ضد واقع گرایه ۷ (رنالیسم علمه ۳)

صادق یوسفی

مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه

علوم پزشکی قم

syoosefee@muq.ac.ir

yoosefee@gmail.com

جهان اعتمادی ندارند.

بر پایه رنالیسم علمی، موجودات نظری اگرچه با حواس غیرمسلح قابل رصد نیستند، ولی همچون موجودات قابل مشاهده، مانند ارگانسیم‌ها و اجرام سیاره‌ای، واقعی هستند. رنالیست‌ها ادعا می‌کنند که هدف علم، ارائه فهم کامل از طبیعت است؛ درحالی‌که ضد رنالیست‌ها هدف علم را تنها فهم بخشی از طبیعت می‌دانند که با حواس غیرمسلح قابل مشاهده است.

البته گروهی نیز به درجه‌بندی از قابل مشاهده به غیرقابل مشاهده معتقدند و تمایز قابل مشاهده و غیرقابل مشاهده‌ای را که آنتی رنالیست‌ها بیان می‌کنند، مورد نقد قرار می‌دهند؛ برای نمونه با در نظر گرفتن پیشرفت کیفیت مشاهده از طریق ابزارهای مانند میکروسکوپ، باید پرسید در چه نقطه‌ای نباید به چشم غیرمسلح اعتماد کرد؟ این نوشتار در شماره آتی نیز پیگیری می‌شود.

منبع:

Marcum, J. A. (2008). Humanizing modern medicine: an introductory philosophy of medicine (Vol. 99). Netherlands: Springer.

در شماره‌های پیشین به برهان «معجزه نبودن» و نظریه تعین‌ناپذیری و رویکرد رنالیست‌ها و آنتی رنالیست‌ها به این دو اشاره شد. در این شماره، نوشتار رنالیسم علمی پیگیری می‌شود.

در پاسخ به انتقاد آنتی رنالیست‌ها، بسته به اینکه تأکید بر بعد متافیزیکی (موجودیت) جهان است یا بر بعد معرفت‌شناختی (محتوای حقیقت) آن، انواع مختلفی از رنالیسم علمی ارائه می‌شود. یک شکل مشهور رنالیسم علمی، رنالیسم «ماهیت» است که بر اساس آن موجودات، حالت‌ها و فرایندهای توصیف‌شده توسط نظریه‌های درست، واقعاً وجود دارند؛ به عبارت دیگر، موجودات مطرح‌شده در نظریه‌های علمی، مانند اتم‌ها، مولکول‌ها و ژن‌ها واقعی هستند، به ویژه اگر بتوان آن‌ها را به صورت تجربی دست‌کاری کرد.

آنتی رنالیست‌ها استدلال می‌کنند که این شکل از رنالیسم متکی به ماهیت متزلزل موجودات غیرقابل مشاهده است و بر این باورند که بین مشاهده‌پذیری و مشاهده‌ناپذیری تمایز وجود دارد. از این رو، به موجودات غیرقابل مشاهده با حواس غیرمسلح به عنوان بخشی از

رنالیست‌ها ادعا می‌کنند که هدف علم، ارائه فهم کامل از طبیعت است؛ درحالی‌که ضد رنالیست‌ها هدف علم را تنها فهم بخشی از طبیعت می‌دانند که با حواس غیرمسلح قابل مشاهده است.

معرفی کتاب

مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت



کتاب «مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت» توسط دکتر مهدیه محمدتی زاده گردآوری شده است. این کتاب در سال ۱۳۹۴ توسط انتشارات مجد در ۲۳۰ صفحه به چاپ رسیده و شامل چهار بخش است. بخش نخست به معنانشناسی تغییر جنسیت در علم فقه و پزشکی اختصاص یافته و بخش دوم به شناسایی علل و اسباب علمی در تغییر جنسیت در علم پزشکی و روانشناسی و اندیشه‌های اجتماعی پرداخته است، بخش سوم خاستگاه تغییر جنسیت در اجتهاد شیعی را مورد بحث قرار داده است. در بخش چهارم نیز تغییر جنسیت در نصوص دینی، آیات قرآن کریم، فقه و آراء اندیشمندان اسلامی تبیین شده است. از آنجا که مسئله «تغییر جنسیت» از امور نوپای علم پزشکی است با یادآوری این موضوع که درباره حقوق و تکالیف افراد دوجنسی و اختلال هویت جنسی، با فقدان جایگاه خاص قانونی و عدم ارائه و طبقه‌بندی معیارهای شناخت این افراد مواجهیم، لزوم تصریح به حقوق و تکالیف این افراد در فقه ما آشکار می‌شود و فقه شیعی نیز که عهده‌دار اداره امور زندگی بشر است باید پاسخ‌های متناسب را مرتبط با موضوع مطرح کند. پاسخ به وضعیت حقوقی و احکام فقهی این افراد بر عهده اندیشمندان دین است تا با تقیح عالمانه، مباحث مرتبط با این مکلفان را مورد ارزیابی دقیق علمی قرار داده، پاسخ‌های مناسب و جامع را در زمینه‌های مختلف مرتبط با آنان مطرح کنند تا وضعیت حقوقی و احکام فقهی فرد مکلف، قبل و بعد

از انجام عمل تغییر جنسیت مشخص شود؛ بنابراین استفاده از متون و منابع فقهی و کشفیات علمی و ملاحظه حقوق و تکالیف دو جنس زن و مرد، شناسایی این افراد و سپس تعیین وضعیت حقوقی و احکام فقهی آنان، از مهم‌ترین اهداف این کتاب است. از مهم‌ترین پرسش‌هایی که این کتاب در پی یافتن پاسخی برای آنهاست، عبارت‌اند از: آیا هر شخصی اجازه دارد که جنسیت خود را تغییر دهد؟ فرآیند تغییر جنسیت در فقه و حقوق چیست؟ تشخیص موضوع در تغییر جنسیت بر عهده کیست؟ راه‌حلی‌هایی که قواعد فقهی در خصوص این موضوع در اختیار ما می‌گذارند، کدامند؟ از جمله نتایجی که در این مجموعه بدان اشاره می‌گردد این موضوع است که حق تغییر جنسیت در صورتی برای فرد مکلف صادر می‌شود که به منظور معالجه باشد و یا در تغییر دادن، مصلحت لزوم آور و مهم‌تر دیگری وجود داشته باشد.

زهرا علایی طباطبایی زواره
دانشکده سلامت و دین

زلزل سلامت

سیر سماوات

همتی ای جان من سیر سماوات را
گوی خدا و مجوی کشف و کرامات را

حاجت زندان راه نیست به جز وصل یار
تا تو چه حاجت بری قبله حاجات را

دار حضور و ادب، همت و آنگه طلب
وقف مر این چار کن یکسره اوقات را

دوش ندای سروش، آمده در گوش هوش
کوش به آبادی کوی خرابات را

طاعت عادی تو بعد ز حق آورد
قرب بود در خلاف آمد عادات را

کیست مصلی کسی کوست مناچی دوست
آه که نشناختی سر عبادات را

دولت فقرت کند مستطیع ای بختیار
کعبه وصلش طلب میکن و میقات را

مرد طریقت بود ظاهرو باطن یکی
نور حقیقت بود تارک ظامات را

علم حجاب است از زینت خود بینیش
خواه جواهر بگو خواه اشارات را

رو سوی قرآن که تا در دل هر آیتش
فهم کنی معنی درک مقامات را

ای تو کتاب مبین وی تو امام مبین
آیت کبراستی خالق آیات را

از سر اخلاص جو سورت اخلاص را
تا که ز نفیش بری بهره اثبات را

همچو حسن در سحر بر سرو بر سینه زن
بو که خدایت دهد ذوق مناجات را

علامه حسن زاده آملی رحمته الله

